

نگاهی به برخی از چالش‌های سیاست‌مداران آمریکا

در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران

سید محمد رضوانولایی

بدون تردید، هر تصمیمی که در عرصه سیاست‌های داخلی کشوری گرفته می‌شود در محیط خارجی آن اثر گذاشته و تحولات خارجی نیز موجب تغییر و تحول سیاست‌های داخلی می‌گردد. در این راستا انتخابات اعم از انتخابات محلی، پارلمانی یا ریاست جمهوری با وجود اینکه یکی از مصادیق مهم سیاست داخلی کشورها است و تمامی کشورها آن را از جمله مسایل ملی دانسته و حتی المقدور اجازه نمی‌دهند تحت تأثیر تحولات خارجی قرار گیرد، مسایل مربوط به انتخابات آن‌چنان در مسایل حوزه سیاست خارجی درهم تنیده شده که از شروع زمان اعلام تاریخ برگزاری یک انتخابات تا زمان اعلام نتایج آن نه تنها سیاست خارجی کشور برگزارکننده، بلکه سیاست خارجی بسیاری دیگر از کشورها هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.

چالش‌های قبل از انتخابات

برخی سوژه‌های مهمی که کشورهای سلطه‌گر در جهت دستیابی به هدف‌های استعماری خود، در سایر کشورها مورد استفاده قرار می‌دهند و رفتار آمریکا و غرب نیز در مورد جمهوری اسلامی ایران از این قاعده تبعیت می‌کند و معمولاً قبل از برگزاری انتخابات با شیوه‌های خاص تبلیغاتی از آنها بهره گرفته و انتخابات را به یک مسأله ملتهب تبدیل می‌کنند، عبارتند از:

۱- امید به دست یابی مخالفان خارج از حاکمیت به قدرت

۲- بی اعتنایی مبانی دینی به انتخابات

۳- تحریک افکار عمومی

۴- منفی جلوه دادن رقابت های انتخاباتی

۵- به کار بستن عملیات جنگ روانی

به عنوان مثال، قبل از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در ایران دیوید فروم در مقاله ای در مورد نتیجه دلخواه دولت نو محافظه کار امریکا تصریح کرده بود؛ سه گروه نباید در ایران به قدرت برسند:

عملیات روانی که به	دسته اول، کسانی که ضد دموکراسی غربی
سرکردگی امریکا با حجم وسیعی از	فکر می کنند.
تبلیغات منفی به راه افتاد، با یک هدف	دسته دوم، کسانی که از هسته ای شدن
سیاسی دنبال می شد و آن به انزوا	ایران دفاع می کنند.
کشیدن ریاست جمهوری، دولت جدید و	دسته سوم، کسانی که ضد امریکایی فکر
نخبگان سیاسی ایران از صحنه	می کنند.
بین المللی بود.	در واقع استراتژیست های نو محافظه کار چنین

تصور می کردند که اگر چه تصویر امریکا در میان اکثر کشورهای خاورمیانه به عنوان میدان اصلی دیپلماسی عمومی دولت امریکا مخدوش بوده و احساسات ضد امریکایی گسترش یافته است، اما در ایران وجهه امریکا رو به بهبود است. دولت امریکا و تا حدودی کشورهای اروپایی در جریان انتخابات ریاست جمهوری در ایران سه فرضیه زیر را محتمل می دانستند:

۱- بروز اختلاف در جریان برگزاری انتخابات

۲- کاهش مشارکت عمومی در انتخابات

۳- کاهش آرای رئیس جمهوری منتخب

امریکا امیدوار بود که از این طریق سناریوی انقلاب رنگین را در ایران تکرار کند.

به ویژه اینکه ماجرای رد صلاحیت برخی از نامزدهای انتخاباتی مجلس هفتم و تحصن تعدادی از نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به تصمیم شورای نگهبان این تصور را ایجاد کرده بود که انتخابات نهم ریاست جمهوری در ایران بدون دردسر برگزار نخواهد شد.

چالش‌های بعد از انتخابات

با برگزاری نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران پیش فرض‌های امریکا با شکست آشکاری مواجه شد. چنانچه انتخابات بدون وجود جنجال‌های مخرب و دردسر ساز در دو مرحله در دو هفته متوالی با بیش از ۶۰ میلیون رأی دهنده انجام گرفت و یکی از چهره‌های محبوب مردم با بیش از ۱۷ میلیون رأی به عنوان نهمین رئیس جمهوری دولت جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. با پیروزی این چهره و منتخب مردم موجی از تبلیغات منفی علیه وی و دولت آینده او به راه افتاد. در بعد داخلی اندیشه‌ای مطرح شد که وی و دولت آینده‌اش را تمامیت خواه جلوه گر می‌ساخت و در بعد خارجی نیز ۴ نفر از گروگان‌های سابق امریکایی در لانه جاسوسی او را یکی از گروگان‌گیران معرفی نمودند. در این عملیات روانی که به سرکردگی امریکا با حجم وسیعی از تبلیغات منفی به راه افتاد، با یک هدف سیاسی دنبال می‌شد و آن به انزوا کشیدن ریاست جمهوری، دولت جدید و نخبگان سیاسی ایران از صحنه بین‌المللی بود. به این ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری نمود که روند جدید در استراتژی سیاست خارجی امریکا در برخورد با ایران را بایستی بی‌اعتبارسازی هویتی و ساختاری دانست.